قفسه

استقبال مخاطبان از کتاب انتشارات جام‌جم

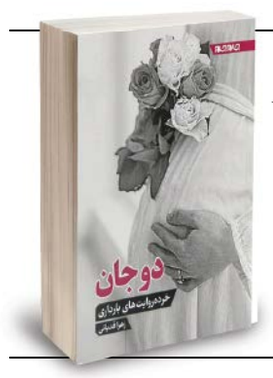
«دوجان» به چاپ چهارم رسید

کتاب «دوجان» اثر زهرا قدیانی و محصول انتشارات جام‌جم که بارداری زنان مختلف را روایت می‌کند، به چاپ چهارم رسید.

در پشت جلد این کتاب و در شرح این اثر نوشته شده: «هر زن در دوران بارداری برای نوزادی که به دنیا می‌آورد و حتی به دنیا نمی‌آورد، روایت‌هایی دارد. روایت‌هایی که زن‌ها میان خود بسیار گفته و شنیده‌اند. روایت‌هایی که کمتر از حریم معاشرت‌های خصوصی زنان فراتر رفته، کمتر شنیده شده و کمتر به آن پرداخته شده است. این درحالی است که بارداری، بخشی مهم، عمیق و تاثیرگذار از تجربه زیست زنان است. همراهی نیاز است که کمک کند این روایت‌ها، با تمام حس‌ها و دریافت‌های زنانه‌اش، از عمق روح و روان زن بیرون بجهد و متولد شود و در این لحظه است که می‌بینیم مسأله تنها زنانه نیست و به انسان مربوط می‌شود. چه این که هرانسان حتی اگر مادر نباشد، از مادری زاده شده است. دو جان، روایت بیست زن از این فرآیند انسانی است...»

این کتاب در ۲۰۸ صفحه و با قیمت ۶۲هزار تومان از طریق کتابفروشی‌ها و درگاه‌های اینترنتی فروش کتاب قابل دسترسی است.

دوجان از جمله کتاب‌های موفق انتشارات جام‌جم است که در مدت کوتاهی پس از انتشار مورد توجه و اقبال مخاطبان کتاب‌های روایت و ادبیات ناداستان قرار گرفته است./ جام جم



زاویه دید

نگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت در گردشگری ادبی



محسن امامی
عضو هیات مدیره انجمن متخصصان گردشگری ایران

در ایران از دیرباز کمابیش بازدید از مقبره شاعرانی چون حافظ، سعدی، فردوسی و دیگران وجود داشته و مردم بیشتر با نگاه تاریخی و میراث فرهنگی به آن می‌پرداخته‌اند. الان اما بهتر شده و در چند سال اخیر رویکرد به ادبیات اتفاق افتاده و بخشی هم در قالب برنامه‌های شب شعر، گردهمایی ادبی و ... رونق گرفته و اقبال برای شنیدن محتواها هم بیشتر شده اما هنوز با سطح مطلوب فاصله داریم و این حوزه کمتر تشویق و تبلیغ شده است.

ادبیات داستانی در همه جای دنیا رونق دارد اما در ایران کمتر به آن پرداختیم. نقالی و شاهنامه‌خوانی در سال‌های اخیر رواج بیشتری داشته است ولی اگر به تجربه‌های جهانی توجه کنیم، تفاوت کار بیشتر مشخص می‌شود. در پاریس ولندن در طول ۵۰ سال همیشه نمایشنامه‌ای از شکسپیر روی صحنه است و از سراسر دنیا برای دیدن این نمایش گردشگر به این شهرها می‌روند. در چند سال گذشته در آذربایجان، تاجیکستان و ترکیه این موضوع در قالب تورهای گردشگری ادبی رونق گرفته است. اگر بخواهیم به ادبیات خودمان در جهت جذب گردشگر خارجی توجه و به سمت گردشگری ادبی حرکت کنیم، خیلی ضعیف هستیم و عملا کسی در این زمینه کاری نکرده است. در بعد داخلی هم برنامه‌ریزی و سازماندهی برای این کار نبوده است و اقداماتی که در این خصوص صورت گرفته، به‌صورت خودجوش و با مشکلات خاص خودش همراه بوده است. ما متخصصی که هم زبان ادبیات بداند، هم تورلیدر باشد و هم به جنبه‌های گردشگری، چه در بعد معنوی و چه در بعد اقتصادی توجه داشته باشد نداریم و تربیت نکرده‌ایم. در همان گردشگری‌ای هم که داریم مشکلات بسیاری وجود دارد ولی درعین‌حال ظرفیتش هست و باید در این زمینه فعال شویم. برای این کار باید در حوزه معرفی فعالیت کنیم. درواقع در حوزه گردشگری، عرضه و تقاضا داریم. ما مصرف‌کننده و جاذبه هردو را داریم اما ارتباط میان اینها برقرار نیست. اولین کار باید معرفی موضوعات ادبی در ایران باشد به‌گونه‌ای‌که مردم آنها را بشناسند و آن مکان‌ها را ببینند. ادبیات را از راه دور هم می‌توانند بشنوند و بخوانند اما چیزی که در محیط متفاوت است. در خیلی از جاذبه‌های تاریخی ادبی در جهان، می‌بینید که داستان آن مجموعه را در کنارش می‌سازند. مثلا در بخارا، شب‌های مختلف درباره هزارویک شب برایتان صحبت می‌کنند درصورتی‌که ما بیشتر از ازبکستان با هزارویک شب مانوس هستیم. یا در تاجیکستان شب شعرهای متفاوتی برگزار می‌شود و جوانان زیادی هستند که شعر بسیاری حفظند و در این برنامه‌ها حضور دارند.

من معتقدم برای رونق‌بخشی به گردشگری ادبی در ایران باید دو رویکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشیم. در کوتاه‌مدت لازم است ضمن معرفی این جاذبه‌ها، به تربیت افرادی همت گماریم که بتوانند رهبری این تورها را به عهده بگیرند و گردشگر جذب کنند. ضمن این‌که باید در مکان‌های موردنظر زیرساخت‌ها را ایجاد کرد یا توسعه داد، ولی در درازمدت باید به کار فرهنگی و آموزشی توجه کنیم. موضوع گردشگری ادبی را باید از مهدهای کودک و مدارس آغاز کرد تا برای آینده به سطح دانشگاه برسد. آنهایی که امروز در این کار هستند از همین سطح شروع کنیم. با میان‌برنمی‌شود در گردشگری موفق بود. آموزش و پرورش این رسانه‌ها هم در این میان نقش بسیار مهمی دارند. رسانه‌های مکتوب و تصویری برای معرفی جاذبه‌ها و اطلاع‌رسانی به مردم درباره گردشگری ادبی باید به صحنه بیایند.

چگونه می‌توان از ا

گردشگری ادبی در ایر



آرش شفاعی
دبیر گروه فرهنگ و هنر

زبان فارسی دومین زبان زنده دنیای اسلام است و در طول تاریخ هزار و چندصدساله ادبیات فارسی، شاعران و نویسندگان و ادیبان زیادی در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند که هرکدام تاثیرگذاری خاص خود و علاقه‌مندانی دارند. شاید از نظر تعداد شاعران و نویسندگان بزرگ، هیچ کشوری به ایران نرسد، به همین دلیل ایران دارای ظرفیت‌های بالایی برای «گردشگری ادبی» است. مفهوم گردشگری ادبی در کشور ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است. شاید این تصور که می‌شود از عشق و علاقه مردم به شعر و ادبیات؛ پول درآورد، در کشور ما هیچ‌گاه چندان جدی یک موزه ادبی استاندارد در ایران ساخته نشده است.

گردشگری در هزارتوی داستان‌ها

گردشگری ادبی شامل بازدید از سه نوع مکان است:

اول، مکان‌های واقعی. جذابیت این‌گونه مکان‌ها در این است که امکان مشاهده بی‌پرده و حقیقی از شرایط زندگی یک ادیب و شاعر و هنرمند را به ما می‌دهد. در خیلی از کشورها شما می‌توانید اتاق کار یک نویسنده بزرگ، میزکاری که او رمان‌های معروفش را پشت آن نوشته، دستگاه تایپی که با آن تایپ کرده، عکس‌های مختلف، دستنوشته‌ها و اسناد حاوی اطلاعات بسیار جزئی از زندگی او را نگهداری کرده و در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده‌اند. همچنین مکان‌هایی مانند زادگاه، آرامگاه، خانه‌های دائم یا موقت و خلاصه مکان‌هایی که درباره زندگی یک ادیب، به شما اطلاعات می‌دهد، جزو این دسته مکان هست. مثلا خانه جین آستن در چاوتاون همپشایر، محل تولد توماس هاردی و آرامگاه شکسپیر از پربازدیدترین مکان گردشگری ادبی در بریتانیا محسوب می‌شوند.

سوار بر موج خیال

دوم، مکان‌های خیالی. زندگی شاعران و نویسندگان با خیال و واقعیت عجین شده است. شاعران و نویسندگان با تخیل خود به اشیا و مکان‌ها، عینیت و درخششی می‌دهند که از ذهن سرشار از سرزندگی آنان جوشیده است. در برخی کشورها با استفاده از همین داستان‌ها و نوشته‌ها مکان‌هایی را که در آثار نویسندگان به آنها اشاره شده است، به‌عنوان مقصدی برای گردشگری ادبی آماده می‌کنند و مردم با بازدید از این مکان‌ها، می‌توانند درباره یک مکان یا شخصیت‌های خیالی یک اثر، اطلاعات جذابی دریافت کنند و خود را در مسیر تخیل نویسنده ببینند. مثلا می‌دانیم وقایع رمان مشهور اولیس نوشته جیمز جویس، در کوچه خیابان‌های این شهر اروپایی اتفاق می‌افتد. در شهر اولیس، مسیرهایی که در رمان به آنها اشاره شده، به‌عنوان مسیری برای بازدید گردشگران آماده شده است. همین اتفاق درباره خانه‌ای که داستان‌های شرلوک هلمز، قهرمان مشهور داستان‌های پلیسی در آن روی می‌دهد، افتاده است. این مکان‌ها شاهد ترکیب خیال و واقعیت و آمیختگی فضای داستان، شعر یا نمایشنامه با واقعیت بیرونی مکان هستیم، یک نمونه در دسترس و نزدیک به ما، «موزه معصومیت» در استانبول است که براساس رمانی از اورهان پاموک ساخته شده است.

این موزه در محله بیوقلو استانبول ساخته شده و براساس توصیفی که در داستان شده، دارای ساختمانی قرمزرنگ و سه‌طبقه که همه چیز در آن برای عینیت‌بخشی به داستان عشق میان فسون و کمال (قهرمانان رمان) تدارک دیده شده است.

در داستان، به سبب ناکامی کمال در عشق، او شروع به گردآوری اشیایی می‌زند که یاد عشق قدیمی را در خاطرش زنده کند و همه این اشیا در موزه جمع‌آوری شده است. لباس‌ها، زیورآلات و روزنامه‌های قدیمی مربوط به دوران زندگی قهرمانان رمان در این موزه گردآوری شده است. ما در ایران در این زمینه، تقریبا هیچ کاری نکرده‌ایم، برخی داستان‌های داستان‌نویسان ایرانی دارای ظرفیت‌هایی در این خصوص هستند. مثلا وقایع رمان کلیدر نوشته محمود دولت‌آبادی در منطقه‌ای به همین نام در استان خراسان روی داده است یا وقایع مجموعه رمان‌های یوسف علیخانی در منطقه میلک در الموت می‌گذرد که این رمان‌ها دارای ظرفیت برای سرمایه‌گذاری درخصوص گردشگری ادبی است.

یادبودهای ادبی

سوم: مکان‌های ساخته شده. این مکان‌ها بناهایی است که برای تقدیر، یادبود و آگاهی مردم درباره هنرمندان و آثارشان ساخته شده است. مثلا موزه‌ای که برای یادبود شاعری ساخته می‌شود یا خانه‌هایی که در آنها به نویسندگان و شاعران و آثارشان پرداخته می‌شود. پارک‌های موضوعی، کتابخانه‌های تاریخی، شهرهای خلاق ادبی و مانند آن از جمله این‌گونه مکان‌هاست. مثلا در انگلستان، منطقه‌ای به نام «دنیای دیکنز» ساخته شده‌است که در آن بینندگان می‌توانند مجموعه‌ای از اشیا و ساخته‌ها و شخصیت‌های بازسازی شده رمان‌های مشهور چارلز دیکنز را ببینند. مسیرهایی هم که به‌عنوان مسیرآشنایی با رمان‌های خاص ساخته شده و می‌کوشد تا از این طریق اطلاعاتی درباره نویسندگانی مانند آگاتا کریستی به مخاطبان داده شود، از همین دسته است. در اسپانیا یکی از مسیرهای معروف گردشگری ادبی این کشور مسیر همینگوی است. این مسیر، مسیری است که ارنست همینگوی هرسال از طریق آن برای شرکت در یکی از جشن‌های سالانه اسپانیا به نام سن فرمین به این کشور سفر می‌کرد. به یاد داشته باشیم که حتی

برداشت محدود و ناقصی از گردشگری ادبی در ایران وجود دارد که این مفهوم را تنها محدود به شهرهایی مانند شیراز و مشهد (توس) می‌داند

استاد شهریار در آنجا نامش سر زبان‌ها افتاده ولی از جنبه ادبی اگر به آن بنگریم یک گنجینه بزرگ گردشگری ادبی محسوب می شود چرا که مزار شاعران بسیار بزرگی چون خاقانی شروانی، اسدی توسی، قطران تبریزی، ظهیرالدین فاریابی، همام تبریزی و سلمان ساوجی، در این مکان تاریخی است و گروهی معتقدند آرامگاه انوری که او را یکی از سه پیمبران شعر می‌خوانده‌اند در همین محل است. (در شعر سه تن پیمبرانند/ هرچند که لا نبی بعدی / اوصاف و قصیده و غزل را/ فردوسی و انوری و سعدی) شما اگر همین امروز به این محل بروید، کمتر اثر و نشانه‌ای که شما را با زندگی این شاعران آشنا کند، می‌بینید. فقط یک شاعر به اهمیت خاقانی بس بود که ما برای تبدیل کردن این مکان به قطب گردشگری ادبی در شمال غرب ایران سرمایه‌گذاری کنیم اما این امر اتفاق نیفتاده است.

نکته دیگر این است که برداشت محدود و ناقصی از گردشگری ادبی در ایران وجود دارد که این مفهوم را تنها محدود به شهرهایی مانند شیراز و مشهد (توس) می‌داند درصورتی که اگر کارشناسان این حوزه با نگاهی بلندمدت و راهبردی به این حوزه بپردازند و سعی در تهیه نقشه جامع گردشگری ایران کنند، مجموعه‌ای وسیع و نفیس در این حوزه در سراسر ایران داریم که می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری را در همه جغرافیای وسیع ایران فراهم کند. تهیه کارتوگرافی ادبی مکان‌ها و مسیرهای ادبی به همراه تهیه نقشه گردشگری برای آثار ادبی مشهور؛ از جمله واجب‌ترین اولویت‌ها در این زمینه است. در برخی موارد نیز می‌توان برای ایجاد توازن در استان‌ها به ساخت مکان‌هایی با پیش‌زمینه ادبی و اهداف گردشگری در مناطقی که مکان‌های موجود به اندازه کافی برای جذب گردشگر کفایت نمی‌کنند، اقدام کرد. ساخت موزه‌های ادبی در استان‌های مختلف می‌تواند در این زمینه، راهکار مناسبی باشد که باید در دستور کار وزارت میراث فرهنگی و گردشگری قرار گیرد. این موزه‌های ادبی همچنین می‌تواند برای شاعران ایرانی که در ایران به خاک سپرده نشده‌اند، مانند شاعران دوران سبک هندی که اغلب در شبه‌قاره مدفون شده‌اند، راهکار مناسبی باشد. مثلا در شهر لاهیجان می‌توانیم موزه حزین لاهیجی را که آرامگاهش در ایران نیست، تاسیس کنیم.

خانه‌هایی که ویران می‌شوند

بی‌توجهی سازمان‌ها و نهادهای مسئول به ظرفیت‌های میراث ادبی بومی محلی باعث شده حفاظت از میراث فرهنگ و ادب، دچار مشکلات جدی شود. این بی‌توجهی گاه به تغییر کاربری، تخریب و از میان رفتن برخی میراث‌های مادی شاعران و نویسندگان منجر شده است و گاه خبرهایی تاسف‌بار در این زمینه می‌شنویم. در این زمینه باید قوانین به‌روز شوند تا هم بتوان حقوق مادی و معنوی ورثه را حفظ کرد و هم از جنبه معنوی و اهمیت تاریخی شاعران و نویسندگان حفاظت کرد. تسهیل قوانین، امکان



یک مشکل داریم. برای مثال خیلی از مردم فکر می‌کنند آرامگاه ابوالفضل بیهقی، نویسنده معروف تاریخ بیهقی در بخش ششتمد سبزوار واقع است. در حالی که آرامگاهی که در این شهر قرار دارد، متعلق است به ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید ابن محمد بیهقی معروف به ابن فندق بیهقی، حکیم، ادیب و ریاضیدان مشهور قرن ششم. این درحالی است که آرامگاه ابوالفضل بیهقی مشهور، مشخص نیست.

فقدان باور

باورنداشتن به پتانسیل‌های گردشگری ادبی در کشور باعث شده است از ظرفیت افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی غفلت کنیم. شاید هیچ کشوری مانند ایران از این منظر، دارای پتانسیل نباشد. شاهنامه سرشار است از شخصیت‌ها و داستان‌های اسطوره‌ای که هرکدام قابلیت معرفی و بهره‌برداری دارند. شاید با استفاده از این ظرفیت بتوان سرمایه‌گذاری خوبی در استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان مهد زندگی شخصیت‌های اساطیری مانند سام، زال، رستم و فرامرز داشت.

الگوی گردشگری در کشور ما تاریخی صرف است و ما تنها به‌نوعی از گردشگری عادت کرده‌ایم که در آن گردشگران برای دیدن یک بنای تاریخی یا محوطه باستانی به سفر بروند تا زمانی که این الگو تغییر نکند و دیگر شکل‌های گردشگری از جمله ادبی و فرهنگی مورد توجه قرار نگیرد، امکان تغییر در شرایط موجود نیست. ما به آرامگاه‌های شاعران و دیگر مکان‌های دارای سابقه ادبی هم به همین چشم تاریخی می‌نگریم. مقبره الشعرای تبریز از این جهت برای ما اهمیت دارد که از گذشته دور در آن شاعرانی به خاک سپرده شده‌اند و در دوره اخیر هم به سبب مزار

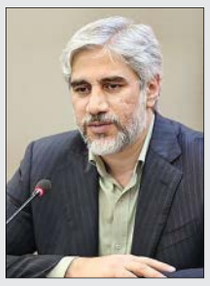
قاب



نقشی از آرامگاه خواجه شیراز

تصویری که می‌بینید یک نقاشی مربوط به ۱۸۰سال پیش است که پاسکال کوست، نقاش، معمار و خاورشناس فرانسوی از آرامگاه خواجه شمس‌الدین محمد حافظ در شیراز کشیده است. کوست همراه با اوژن فلاندن (نقاش) در زمان محمدشاه قاجار به ایران سفر و نقش‌هایی از آثار تاریخی ایران رسم کرد.

نمای نزدیک



یارانه ۱۰میلیاردی برای سامانه خرید از کتابفروشی

یاسر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که دولت سیزدهم، توجه به کتابفروشی‌ها را در راستای تحقق عدالت فرهنگی در حوزه نشر در زمره طرح‌های حمایتی خود قرار داده، گفت: در این راستا «سامانه خرید از کتابفروشی» با هدف تسهیل در دسترسی به کتاب، تقویت اقتصاد صنعت نشر کتاب در کشور و بهینه‌سازی کارکرد اجزای این صنعت، تقویت و اصلاح حلقه توزیع و فروش کتاب در کشور، حمایت از کتابفروشی‌های سراسر کشور، فراهم‌سازی بستر مناسب برای بهره‌مندی عادلانه همه اقشار مردم از یارانه و استفاده از بستر مجازی برای کتابفروشی‌ها در دسترس قرار گرفته است. وی با اشاره به لزوم توزیع عادلانه یارانه‌های حوزه نشر، گفت: در سامانه خرید از کتابفروشی به خرید کتاب از طریق کتابفروشی‌ها به‌عنوان مهم‌ترین حلقه توزیع توجه شده و برای آغاز به کار این سامانه که امکان عرضه کتاب برای کتابفروشان را تسهیل می‌کند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یارانه ۱۰میلیارد تومانی در نظر گرفته است./ وزارت ارشاد

انیمیشن



شوالیه طلایی برای انیمیشن ایرانی

انیمیشن کوتاه «برگشت‌ناپذیر» به کارگردانی شیدا کاشی جایزه دوم بخش انیمیشن بین‌الملل سی‌ویکمین دوره جشنواره فیلم «شوالیه طلایی» (Golden knight) روسیه را از آن خود کرد. این جشنواره از سال ۱۹۹۱ هر ساله در شهر سواستوپول روسیه با رویکرد سینمای معنوی و اخلاقی برگزار می‌شود و بهترین نمایندگان سینما از سراسر جهان را با شعار «برای آرمان‌های اخلاقی، برای اعتلای روح انسان» گردهم می‌آورد. برگشت‌ناپذیر در مدت زمان ۸ دقیقه و با تکنیک دوبعدی ساخته شده و از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در سال ۱۴۰۰ است.

در خلاصه داستان این اثر آمده است: «کشوری، سال‌ها پیش در جنگ شکست خورده و اشغال شده‌است. اشغالگران همه چیز را از جمله زبان، نشانه‌ها، یادگارها و... از بین برده‌اند. در این میان تنها یک بازمانده از مردم پیشین آن کشور باقی مانده؛ کسی که ۳۷ سال برای بازیافتن از دست رفته‌ها جنگیده است و حالا در این جنگ احساس شکست می‌کند...»/ هنرآنلاین